

## گزارش يك مورد كورى كورتیکال

دکتر مجید فروغ \* دکتر محسن محسن زاده \*\* دکتر منصور دارا

کوری کورتیکال (Cecité Corticale) يك بیماری نادری است که ممکن است بعضی از همکاران در دوران چندین سال طبابت خود با بیمار مبتلا بآن مواجه نشده باشند از طرفی احتمال دارد که این مرض با تمارض Simulation اشتباه شود و مبتلای به کوری کورتیکال را بعلت سالم بودن قسمت های قدامی و ته چشم ، بیمار تصور نکرده و فقدان دیدش را بحساب تمارض بگذارند چنانکه کسالت بیمار مامتها در شهرستانها و تهران تمارض تشخیص داده شده است و همین قسمت مارا بر آن داشت که ضمن تهیه شرح بیماری کوری کورتیکال، تشخیص افتراقی آن را با هیستری و مخصوصاً تمارض مورد بررسی قرار دهیم .

ابتدا لازم میدانیم که کوری کورتیکال را بطور اختصار شرح داده و سپس به شرح حال بیمار پردازیم :

کوری کورتیکال عبارتست از فقدان هر گونه احساس و درك بینائی . این عارضه نتیجه خرابی و ضایعه کورتکس بینائی در لوب پشت سری است ولى معمولاً کوری هائی که در عقب جسم زانوئی خارجی Corps jenuillé enterne تولید می شوند به این اسم می نامند . پس از نظر بالینی بین حالاتی که کورتکس خراب می شود و مواردی که تنها رابطه کورتکس با جسم زانوئی خارجی قطع می گردد فرقی نمی گذارند و تا حدودی در کلینیک تشخیص این دو حالت از همدیگر غیر ممکن است .

\* استاد رئیس بخش چشم پزشکی بیمارستان امیراعلم

\*\* استادیار بخش چشم پزشکی بیمارستان امیراعلم

كورى كورتيكال سندرم نادرست و تاكنون بيش از ۲۰۰ مورد از آن گزارش نشده است. البته آنچه نادر است كورى هاى كورتيكال نهائى است كه در اثر خرابى نسجى ديده مى شود ولى طبعاً كورى هاى كورتيكال موقت مربوط به اختلالات عروقى خيلى نادر نبوده و گاه بگناه ديده مى شود منتهى آمار دقيق تاكنون از قبيل كورى ها داده نشده است .

علائم كورى كورتيكال : از بين رفتن كامل ديد وحتى از بين رفتن درك نور در دو چشم .

- باقى ماندن رفلكس هاى مردمك

- سالم بودن ته چشم ها

- سالم بودن حر كات چشم ها وحر كت ارادى تقارب

- يكى از علائم مهم اينست كه اگر شيشى را به قرنيه چشم نزديك نمايند سبب پلك زدن نخواهد شد لذا باز تاب پلك بهم زدن بر اثر تهديد (Reflexe de Clignement à la menace) از بين رفته است.

- از بين رفتن رفلكس هاى فيكساسيون و فوزيون .

علائم فرعى ديگر وجود دارد كه از ذكر آنها خوددارى ميكنيم و فقط بايد متذكر شويم كه گاهى اختلالات روانى و توهمات بينائى بسا علائم فوق الذكر همراه است .

علل كورى كورتيكال :

- تروماتيسم جمجمه : ضربه شديد مخصوصاً در ناحيه اكسى پیتال .

- كوموسيون سر برال : اختلال وازوموتور - خيز و خونريزى .

- ضايعات رگها : راموليسمان ناحيه كونئوس يا خرابى فيبرهاى بينائى در رادياسيون اوپتيك در اثر اختلالات عروقى مخصوصاً سرخرگهاى مغزى خلفى و انشعابات آنها .

- ندرتاً خونريزى مغزى

- آنژیواسپاسم : در فشارخونى ها و مسموميت ها

- سرطان : تومورهاى لوب پشت سرى در مراحل آخر ممكن است به كورى

كورتيكال منجر شود .

– آنسفالیت‌ها که بیشتر نوع Schilder Foix دخالت دارد. این بیماری به دمیلینیزاسیون Demyélinisation مخصوصاً در لوب پشت سری مربوط است و در تمام سنین عمر دیده میشود خصوصاً قبل از ۵۰ سالگی.

– مسمومیت‌ها: مسمومیت با سرب که بطور ناگهانی کوری میدهد ولی این کوری گذرانتست و علت آنرا بعضی‌ها اسپاسم عروقی و بعضی‌ها خیز کورتکس می‌دانند.

هارتمن و ماژیتو علل کوری کورتیکال را در ۱۹۰ مورد بترتیب زیر شرح داده‌اند:

۷۷ مورد اختلالات رگها در کار بوده است (۴۶ مورد رامولیسمان – ۶ مورد خونریزی و ۲۵ مورد آنژیواسپاسم)

۲۷ مورد مسمومیت (اورمی - حاملگی)

۲۸ مورد ضربه ناحیه پشت سری

۳۲ مورد آنسفالیت‌ها

علت رامولیسمان بطور کلی آرتریواسکلروز، ترومبوز و سیفلیس می باشد.

تشخیص افتراقی: در تشخیص افتراقی باید همی آنوپسی مضاعف – کوری

روحی- هیستری و تمارض در نظر گرفته شود. البته توجه به علائم اصلی ما را بطرف

تشخیص واقعی راهنمایی می کند فقط باید متذکر شویم که در تمارض بیمار میخواهد

خود را بیشتر از حد کور نشان دهد ولی اگر در این موقع شیئی را به قرینه چشم نزدیک

نمائیم فوراً سبب بسته شدن پلک می شود لذا بازتاب پلک بهم زدن بر اثر تهدید وجود

دارد. در کوری روحی بیمار اشیاء را می بیند ولی آنها را نمی شناسد و در حقیقت

پلک آگنوزی بینائی در کار است.

اینک شرح حال بیمار ما: آقای ج – د اهل کرمان را که ۵۰ سال دارد در تاریخ

۲۸/۸/۴۶ بعلت کوری ناگهانی دو چشم تحت معاینه قرار دادیم. بیمار یک ماه قبل

دچار سردرد شده و در شهرستان تحت معالجه قرار میگيرد ضمن درمان‌های مختلف

آمپول کلرامفنیکول نیز در رگ بیمار تزریق میگردد و در حین تزریق این آنتی بیوتیک

بیمار دچار شوک شدید شده و فوراً از این نظر معالجه می شود. بعد از چند روز بیمار

در هر دو چشم احساس تاری می کند و این اختلال دید را به تزریق آمپول آنتی بیوتیک

در رگك مربوط ميدانند . بالاخره بيمار براى معالجه سردرد به تهران عزيمت مينمايد ولى در بين راه دچار كورى كامل دوچشم ميشود و چون در تهران در معاينات بالينى علامتى كه كورى بيمار را توجه نمايد پيدا نمى كنند، آنرا بحساب تمارض ميگذارند.

### نتيجه معاينات :

ته چشم ها كاملا سالم ، رفلكس مردمك ها و رفلكس كونسائوئل ، حس قرنيه و حركت عضلات دوچشم طبيعى بود .

علامت مهمى كه در اين بيمار ما را بطرف تشخيص كورى كورتيكال هدايت كرد از بين رفتن بازتاب پلك بهم زدن بر اثر تهديد بود. بامشاهده اين علامت موضوع تمارض منتفى گرديد .

بيمار را از نظر هيستري تحت معاينات دقيق قرار داديم : a) بايد متذكر شويم كه عارضه هيستري غالباً بعد از هيجان شديد مثلاً درزنهائى جوان در تعقيب شكست عشقى ويا در اطفال در اثر بى توجهى والدين ظاهر مى شود در صورتيكه بيمار ما مردىست پنجاه ساله و از زندگى خانوادگى خود راضى بوده و هيچ عاملى براى پيدائش هيجان و بروز هيستري نداشته است . از طرف ديگر در كورى هيستريك معمولاً بلفاروسپاسم و لرزش پلك ها و فوفوفوبى يكي از مشخصات عارضه است در صورتيكه بيمار ما چنين علائضى نداشت .

نكته مهم ديگر اينكه تا كنون دهها حالات هيستريك چشم را با درمانيهاى تلقينى مخصوص از قبيل تزريق سرم فيزبولژى در پشت كره چشم معالجه كرده ايم و تا بحال بيمار هيستريك چشم نداشته ايم كه با درمان تلقينى معالجه نشده باشد در صورتيكه اين بيمار به هيچ نوع درمان تلقينى ما جواب مثبت نداد و مدت چند ماه است كه با كورى مطلق دوچشم گوشه انزوا اختيار كرده است .

b) از بيمار آزمايش هاى مختلف پاراكلينيكى بعمل آمد ولى در اين آزمايش ها علامت غير طبيعى ديده نشد لذا با تشخيص كورى كورتيكال و با حدس ضايعه عروقى ، معاينه الكتروانسفالوگرافى خواستيم و الكتروانسفالوگرافى ضايعه مشخص دو طرفه ناحيه پشت سرى را نشان داد كه احتمالاً مربوط به راموليسمان رگهائى مغزى خلفى بود. به بيمار پيشهاد شد كه تحت معاينه آنزيوگرافى از رگهائى و رتبرال هم قرار بگيرد

ولی راضی به این معاینه نشد .

(c) پس ملاحظه می شود که تشخیص کوری کورتیکال در این بیمار علاوه بر اینکه با آزمایش الکتروآنسفالوگرافی تأیید شده از نظر بالینی نیز محرز می باشد چون وقتی قسمت های قدام و ته چشم ها سالم بوده و شخص فاقد بینائی باشد فقط به سه عارضه باید فکر کرد یکی تمارض دوم هیستری و سوم کوری کورتیکال .

(d) این اوبسرواسیون از این لحاظ قابل توجه است که اولاً کوری کورتیکال بیماری نادری بوده و ممکن است بعضی از همکاران بعد از سالها طبابت با چنین بیماری مواجه نشده باشند ثانیاً این عارضه با هیستری و مخصوصاً تمارض ممکن است اشتباه شود چنانچه کوری بیمار ما هم مدتی بحساب تمارض گذاشته شده است و بهمین علت است که نباید در موقع سالم بودن ته چشم ها و طبیعی بودن رفلکس های مردمک در اشخاصی که از کوری کامل دو چشم شکایت دارند تشخیص تمارض مطرح شود بلکه لازم است در این قبیل موارد بیمار از نظر کوری کورتیکال نیز دقیقاً تحت معاینه قرار بگیرد تا بدین ترتیب تشخیص علت کوری برای مدتی از نظر دور نماند .

### ماخذ

- 1- P. V. Morax, cécité corticale, Encyclopedie Medico-chirurgicale, ophtalmologie, vol III P. 21545 A<sup>10</sup>
- 2- L. Guillaumat, P. V. Morax, G. offset, cécité corticale, Neuro-ophtalmologie, vol. I P. 568, 569, 580, 582. vol II 760, 930 1959.
- 3- Paul Bonnet, cécité corticale, ophtalmologie clinique P. 731 1952.
- 4- C. Ambrosetto et G. Gentili, les agnosies Visuelles' sémiologie et pathogénie, Annales d'oculistique P. 166 vol 198, 1965 .
- 5- D. Pisteljic et M. Cuprovic, cécité corticale d'origine vasculaire Annal. d'oculi, P. 1112 vol 199, 1966
- 6- Charles Steiner, un cas de cécité corticale Annal. d'oculi, P. 396 vol 197, 1964.
- 7- A. Ricci et G. Maeder, deux cas de cécité fonctionnelle avec récupération progressive, Annal d'oculi, P. 72 vol 193, 1960 .
- 8- P. Cernea, T. Banu, C. Romanesco, Aspects électro-encéphalographiques dans la cécité corticale. Annal d'oculi. P. 1015 vol 199, 1966 .